

کتاب دانیال - شماره نود و یک

پرده برداری از رود پیش‌گویانه: سفری در پیوندهای میان حرکت‌های رؤیاهای دانیال

Jeff Pippenger

2024-02-24

دانشی که در جنبش فرشته نخستین مهرگشایی شد، با رؤیای رودخانه اولای در کتاب دانیال بازنمایی می‌شود. آن رؤیا نمایانگر فصل‌های هفتم، هشتم و نهم کتاب دانیال است، و دانشی که در جنبش فرشته سوم مهرگشایی شد، با رؤیای رودخانه هیدکل بازنمایی می‌شود که نمایانگر فصل‌های دهم، یازدهم و دوازدهم است. پیوندهای میان این دو جنبش فراوان‌اند. این دو جنبش با فاصله صد و بیست و شش ساله از تمرید ۱۸۶۳ تا «زمان پایان» در ۱۹۸۹ به هم پیوند خورده‌اند.

در هر جنبش، هر دو «زمان پایان» با «هفت بار» باب بیست‌وششم لاویان مشخص می‌شوند. بت‌پرستی و سپس پاپ‌گرایی، قدس و لشکر را تا زمان پایان در سال ۱۷۹۸ پایمال کرده بودند. از شورش ۱۸۶۳ تا ۱۹۸۹، نوعی پایمال کردن روحانی رخ داده بود؛ چنان‌که با چهار رجاسات باب هشتم حزقیال نشان داده شده است.

آن چهل‌وشش سال از پایان نخستین خشم تا پایان خشم واپسین در ۱۸۴۴، که در آن مسیح معبدی روحانی برپا کرده بود و در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ ناگهان بدان وارد شد، با زمان پایان در ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه‌ای که به زودی خواهد آمد موازات دارد؛ زمانی که مسیح بار دیگر معبدی روحانی برپا می‌کند و در ساعت زمین‌لرزه عظیم مکاشفه یازدهم ناگهان بدان خواهد آمد.

وقتی فرشته سوم در سال ۱۸۴۴ رسید، فرستاده عهد ناگهان ظاهر شد تا پسران لاوی را تطهیر کند، اما تا سال ۱۸۶۳، آن لاویان بی‌وفا پیام موسی را که به‌دست ایلیا ابلاغ شده بود رد کردند و به سرگردانی در بیابان روی آوردند. در آن فرایند آزمایش، «بنایان» سرانجام «سنگ زاویه»ی «هفت زمان» را رد کردند و سپس از «جنبش» فیلادلفیا به «کلیسای» لاودیکه گذار کردند. در روزهای آخر، هنگامی که فرستاده عهد در هنگام قانون قریب‌الوقوع یکشنبه ناگهان به هیکل خود می‌آید، او لاویان وفادار را به کار خواهد گرفت تا گله دیگرش را فرا بخوانند. وفاداران روزهای آخر از «کلیسای» لاودیکه به «جنبش» فیلادلفیا گذار کرده‌اند.

جنبش فرشته اول، دویست و بیست سال پس از انتشار کتاب مقدس کینگ جیمز، پیام مدون خود را منتشر کرد، و جنبش فرشته سوم نیز، دویست و بیست سال پس از انتشار اعلامیه استقلال، پیام مدون خود را منتشر نمود. پیام مدون هر دو جنبش با تحقق یک پیشگویی در اسلام، که نشانه‌اش نزول یک فرشته بود، قوت گرفت. آمدن فرشته آغاز «بحث» باب دوم حقوق را مشخص کرد و به انتشار الواح حقوق انجامید.

پیام قدرت‌یافته‌ای که با لوح‌های حقوق نمایانده شده بود، به ناامیدی‌ای انجامید که دوران درنگی را آغاز کرد؛ دورانی که به پیام فریاد نیمه‌شب انجامید و با تحقق همان پیام فریاد نیمه‌شب پایان یافت. شباهت‌های موجود میان این دو جنبش، برای کسانی که بخواهند ببینند، دلیل قاطعی است که همه عناصر تاریخ جنبش میلریتی به تاریخ یک‌صد و چهل و چهار هزار پیوند می‌خورند و در آن تکرار می‌شوند. دوره باران پسین در جنبش میلریتی نمونه‌وار است و در جنبش فیوچر فور آمریکا تحقق می‌یابد. الهام بارها به کسانی که گوش شنوا دارند می‌گوید که تنها کسانی که باران پسین را باز می‌شناسند، آن را دریافت خواهند کرد.

دوره، جنبش و پیام باران آخر همگی در تاریخ میلریتی‌ها نمایان شده‌اند، و واژه «بازشناختن» به معنای دیدن چیزی است که پیش‌تر نیز آن را دیده‌ای. تنها راه دیدن دوره، جنبش و پیام باران آخر این است که بازبشناسیم که آن در تاریخ میلریتی‌ها به تصویر کشیده شده است. همچنین در دیگر جنبش‌های مقدس اصلاحی نیز به تصویر کشیده شده است. جنبش میلریتی جنبشی آغازین بود که نماینده جنبشی پایانی است و از این رو ارجاعات مستقیم بسیار بیشتری نسبت به جنبش‌های اصلاحی پیشین دارد. همچنین امضای آلفا و امگا را دارد؛ آن‌که همواره پایان چیزی را با آغاز آن به تصویر می‌کشد.

در جنبش میلری، بنیادها تثبیت شدند و ستون مرکزی، باب هشتم دانیال، آیات سیزده و چهارده بود. می‌دانم که خواهر وایت آیه چهارده را ستون مرکزی و بنیاد معرفی می‌کند، اما واقعیت این است که آیه چهارده پاسخی است به پرسش آیه سیزده. پاسخ بدون فهم پرسشی که آن را برمی‌انگیزد، تهی است. آیه سیزده رؤیای لگدمال شدن را، که به وسیله دو قدرت ویرانگر انجام می‌شود، معرفی می‌کند و آیه چهارده رؤیای مسیح است که قدس و لشکری را که لگدمال شده بودند اعاده می‌کند. این دو رؤیا از نظر سیاق، از نظر دستور زبان و نیز به وسیله پلمونی، شمارنده شگفت‌انگیز، مستقیماً به هم پیوند خورده‌اند.

ویلیام میلر برای شناسایی حقایق بنیادین به کار گرفته شد، که عبارت بود از دانیال باب هشتم، آیات ۱۳ و ۱۴. نخستین گوه کشف‌شده توسط او «هفت زمان» بود که نمایانگر پیمان شدن مذکور در آیه ۱۳ است؛ و چارچوبی که تمام ساختار نبوی خود را بر آن بنا کرد، الگوی «دو قدرت ویرانگر» بود که در آیه ۱۳ آمده است. میلر به درستی تشخیص داد که «قربانی دائمی» در آیه ۱۳ نماد بت‌پرستی است و «تعدی ویرانگر» نماد پاپی‌گری. از این رو، خود «بنیاد» چارچوب میلر، و «بنیاد» آن بنیاد و ستون مرکزی، همین فهم بود که «قربانی دائمی» در باب هشت نمایانگر بت‌پرستی است. بنیاد افزایش دانش در تاریخ میلریتی این بود که «قربانی دائمی» در دانیال باب هشت همان بت‌پرستی است، و الهام به دقت تصریح کرد که «آنانی که ندای ساعت دآوری را دادند، دیدگاه درستی درباره قربانی دائمی داشتند».

بنیاد آن نوری که در سال ۱۹۸۹ در زمان پایان به صورت «افزایش معرفت» نمایانده شد، همان «امر دائمی» نیز هست. این صرفاً قرینه الهی دیگری است. برای شناخت افزایش معرفتی که در شش آیه پایانی باب یازدهم دانیال بازنمایی شده است، به به‌کارگیری نوشته‌های الن وایت نیاز است. او در نوشته‌هایش بیان می‌کند که تاریخ آیه سی‌ویک باب یازدهم دانیال در آیات پایانی باب یازدهم دانیال تکرار خواهد شد. بدون آن سرخ الهام‌شده، فهم تاریخ موازی آیه سی‌ویک با آیات چهل و چهل‌ویک، کاری به مراتب دشوارتر می‌بود.

"روزانه" در کتاب دانیال نمایانگر بت‌پرستی است و بنیاد بنیاد برای پیروان میلر به شمار می‌آید، و نیز بنیاد پیام برای جنبش یکصد و چهل و چهار هزار نفر است. همچنین همان حقیقتی است که عمداً به وسیله یک «دروغ» به خطا بدل شد؛ دروغی که به نسل سوم ادونتیسیم لاودیکه‌ای وارد شد، و با پلیدی سوم «زنانی که برای تموز می‌گریستند» در باب هشتم حزقیال، و نیز با سازشی که کلیسای سوم پرگاموس نمایانگر آن بود، تمثیل شده بود.

رهنمود الهی که نقش «قربانی دائمی» را به‌عنوان موضوعی در زمان باران آخر هدایت می‌کند، حقیقتاً شگفت‌آور و فراتر از امکان ساخته‌وپرداخته انسانی است. نسل چهارم ادونتیسیم لاودیکه‌ای چنان ترسیم شده که در برابر خورشید سجده می‌کند و بدین‌سان نشان‌دهنده پذیرش نشان وحش است. خواهر وایت تصریح می‌کند که دریافت آن نشان به معنای هم‌ذهن شدن با وحش است و اینکه کسانی که درباره معنای ضد مسیح دچار سردرگمی می‌شوند، نهایتاً در جانب مرد گناه قرار خواهند گرفت. تمام اینها در فصل هشتم حزقیال، در مشایخ اورشلیم به تصویر کشیده شده است.

در نسل سوم و چهارم خدا از کسانی که از او نفرت دارند داوری می‌کند، و آن داوری در حالی اجرا می‌شود که گروه دیگر مهر تأیید خدا را دریافت می‌کند. همان بخش از کتاب مقدس که نوری را در اختیار ویلیام میلر گذاشت تا تشخیص دهد که رم بت‌پرست همان است که در کتاب دانیال به‌عنوان «دائمی» نمایانده شده، مستقیم‌ترین شناسایی «مرد گناه» است؛ کسی که مردان سالخورده در فصل هشتم حزقیال در برابر او سجده می‌کنند. آن فصل پاپ قدرت ویرانگر دوم را مشخص می‌کند و در عین حال بت‌پرستی قدرت ویرانگر نخستین را نیز معرفی می‌کند. و حقیقتی که موضوع آن بخش است نقش رم بت‌پرست است؛ همان که در دوم تسالونیکیان قدرتی دانسته می‌شود که نهاد پاپی را تا سال ۵۳۸ از جلوس بر تخت بازمی‌دارد.

«دائمی» که حقیقت بنیادین میلر بود و به او امکان داد چارچوبی از نبوت بر پایه دو قدرت ویرانگر که قدس و لشکر را پایمال می‌کنند بنا کند، همان حقیقتی است که پولس آن را حقیقتی مردود معرفی می‌کند و بر کسانی که در روزهای آخر همان حقیقت را دوست نمی‌دارند، گمراهی شدید می‌آورد. همسو با تاریخ‌های موازی، همان حقیقت، یعنی حقیقت بنیادین، به فیوچر فور آمریکا امکان داد تا چارچوبی از نبوت درباره اتحاد سه‌گانه نهایی در روزهای آخر پدید آورد.

نه تنها این، بلکه آن حقیقت بنیادینی که برای هر دو تاریخ موازی حقیقت بنیادین است، به «دروغی» تبدیل می‌شود که به خطای زیربنایی و «گمراهی شدید» پولس بدل می‌گردد و چارچوب پیام «صلح و امنیت» باران دیرهنگام دروغین را فراهم می‌کند؛ پیامی که مردانی اعلام می‌کنند که دیگر هرگز صدای خود را بلند نخواهند کرد تا گناهان قوم خدا را به آنان نشان دهند. «دائمی» نمایانگر بنیاد هر دو جنبش فرشته اول و فرشته سوم است، و هنگامی که سرکشان لاودیکه معنای آن را وارونه کردند، با معرفی نماد شیطنانی به‌عنوان نماد مسیح، آن نماد دروغین به بنیاد پیام بدلی باران دیرهنگام دروغین تبدیل شد.

درنگ کنید و در شگفت شوید؛ فریاد کنید و بانگ برآورید: آنان مست‌اند، اما نه از شراب؛ تلوتلو می‌خورند، اما نه از مسکرات. زیرا خداوند روح خواب عمیق را بر شما فرو ریخته و چشمان شما را بسته است: پیامبران و حاکمان شما، یعنی بینایان را، او پوشانیده است. و رؤیای همه برای شما چون سخنان کتابی مهر و موم شده شده است که آن را به نزد دانایی می‌برند و می‌گویند: از تو می‌خواهیم این را بخوان؛ و او می‌گوید: نمی‌توانم، زیرا مهر شده است؛ و آن کتاب را به کسی می‌دهند که بی‌سواد است و می‌گویند: از تو می‌خواهیم این را بخوان؛ و او می‌گوید: من بی‌سوام. از این‌رو خداوند گفت: چون این قوم با دهان خود به من نزدیک می‌شوند و با لب‌هایشان مرا گرامی می‌دارند، اما دل خود را از من دور ساخته‌اند، و ترس ایشان از من چیزی است آموخته از دستورهای انسان‌ها؛ پس اینک در میان این قوم کاری شگفت، بلکه کاری شگفت و شگرف به‌جا خواهم آورد، زیرا حکمت حکیمانشان نابود خواهد شد و فهم خردمندانشان پنهان خواهد گردید. وای بر آنان که می‌کوشند تدبیر خود را از خداوند در ژرفا پنهان کنند و کارهایشان در تاریکی است و می‌گویند: چه کسی ما را می‌بیند؟ و چه کسی ما را می‌شناسد؟ بی‌گمان وارونگی شما همچون گل کوزه‌گر انگاشته خواهد شد؛ زیرا آیا ساخته می‌تواند درباره سازنده خود بگوید: او مرا نساخته است؟ یا آیا چیز صورت‌یافته می‌تواند درباره صورت‌دهنده خود بگوید: او فهم ندارد؟ اشعیا ۲۹:۹-۱۶.

همه پیامبران از روزهای آخر سخن گفته‌اند، و دروغ‌گویی آشکار برای وارونه کردن معنای «روزانه» به‌شدت شبیه تعریف گناه نابخشودنی است. این‌که کسی را برای همیشه هلاک شده بدانیم فراتر از توان یا اقتدار اخلاقی انسان‌ها نسبت به یکدیگر است، اما منظور در اینجا این نیست.

آنانی که در کتاب اشعیا همه چیز را وارونه می‌کنند، که این صرفاً بیان دیگری از همان چیزی است که اشعیا در جای دیگری «تاریکی را روشنایی یا روشنایی را تاریکی خواندن» می‌نامد، به‌عنوان مردان

کهنسالی که بر اورشلیم حکومت می‌کنند معرفی می‌شوند، در حالی که داوری نهایی‌شان به تصویر کشیده می‌شود.

وای بر آنان که بدی را نیک می‌خوانند و نیک را بد؛ که تاریکی را به جای نور می‌نهند و نور را به جای تاریکی؛ که تلخ را به جای شیرین می‌نهند و شیرین را به جای تلخ! وای بر آنان که در چشم خویش دانا و در نظر خود هوشمندند! وای بر آنان که در نوشیدن شراب نیرومندند و مردان نیرومند در آمیختن نوشیدنی مست‌کننده‌اند: آنان که در برابر رشوه شیرین را تیرئه می‌کنند و حقانیت پارسا را از او می‌ستانند! از این رو، همان‌گونه که آتش کاه خشک را می‌بلعد و شعله خاشاک را فرو می‌سوزاند، ریشه ایشان چون پوسیدگی خواهد شد و شکوفه‌شان چون غبار برخواید خاست؛ زیرا شریعت خداوند لشکرها را کنار نهاده و کلام قدوس اسرائیل را خوار شمرده‌اند. از این سبب خشم خداوند بر قوم او افروخته شده است و دست خود را بر ضد ایشان دراز کرده و ایشان را زده است؛ و کوه‌ها لرزیدند و لاشه‌هایشان در میان خیابان‌ها دریده شد. با همه اینها خشم او بازنگشته است، بلکه دست او هنوز دراز است. و برای امت‌ها از دور نشانه‌ای برخواید افراشت، و از کران زمین برای آنان سوت خواهد زد؛ و اینک، به شتاب بسیار خواهند آمد. اشعیا ۲۰:۲-۲۶.

رایت خدا (صد و چهل و چهار هزار نفر) با فرارسیدن قریب‌الوقوع قانون یکشنبه، به‌عنوان رایت برافراشته می‌شود؛ همان زمانی که «خشم خداوند بر قومش افروخته می‌شود»، و او «دست خود را بر ایشان دراز می‌کند»، و «ایشان را می‌زند»، و «لاشه‌های ایشان در میانه کوچه‌ها دریده خواهند شد». مراد از «میانه کوچه‌ها»، کوچه‌های اورشلیم است، زمانی که فرشتگان هلاک‌کننده حزقیال، فصل نهم، فرمان می‌یابند که بیرون روند «و بزنند؛ چشم شما دریغ نکند و شفقت مکنید؛ پیر و جوان را به‌تمامی هلاک کنید، هم دوشیزگان و کودکان خردسال و زنان را؛ اما به هیچ مردی که بر او نشانی است نزدیک نشوید؛ و از مقدس من آغاز کنید.» آنگاه «از پیران پیش‌خانه آغاز کردند.» «پیران» حزقیال، که به گفته خواهر وایت همان کسانی‌اند که باید نگهبانان قوم می‌بودند، همان «مست‌های افرایم» اشعیا هستند که در فصل‌های بیست‌وهشت و بیست‌ونه «همه چیز را واژگون می‌کنند».

در فصل پنجم آنان کسانی‌اند که «نیرومند در نوشیدن شراب، و مردان زورمند در آمیختن نوشیدنی مست‌کننده قوی؛ که به‌خاطر پاداش شیرین را تیرئه می‌کنند.» با انتشار کتاب Questions on Doctrine مردان کهن‌سال از جام پروتستانتیسم مرتد نوشیدند و انجیل کاذب عادل‌شمردگی را عرضه کردند که ادعا می‌کند انسان‌ها نمی‌توانند تقدیس شوند، که مسیح جانشین ماست، اما الگوی ما نیست. با این کار، آن کتاب شیرین را تیرئه کرد، برای پاداش پذیرفته شدن در میان کلیساهای سقوط‌کرده پروتستانتیسم مرتد. این بخش داوری نهایی آنان را مشخص می‌کند، و علت آن داوری این است که آنان «کلام قدوس اسرائیل را خوار شمردند». آن‌ها این کار را با ردِ درکِ «daily» که توسط کسانی که فریاد ساعت داوری را سر دادند ارائه شده بود، و با نوشیدن از جام پروتستانتیسم مرتد انجام دادند.

در آن بخش، شیرین را تلخ و تلخ را شیرین می‌کنند. پیامی که هنگام فرود آمدن فرشته در دست اوست، شیرین است، اما پایان آن پیام تلخ است. آنان استدلال می‌کنند پیام حقیقی باران پسین که با فرود آمدن فرشته آغاز می‌شود، تلخ است، و در پایان، یک پیام دروغین «صلح و امنیت» شیرین را معرفی می‌کنند، چون نمی‌توانند از وارونه کردن همه‌چیز دست بردارند.

فرازی که در آن این گناه بازنمایی شده، در پایان زمان مهلت آزمایشی جمعی آنان قرار دارد. از این رو، بجاست که اینکه آنان کار شیطان‌ی بت‌پرستی را کار مسیح می‌شمارند، قرینه‌ای نبوی برای گناه نابخشودنی دیده شود؛ گناهی که عبارت است از کار روح‌القدس را کار شیطان دانستن. گنجاندن «دروغ» در نسل سوم ادونتیسیم، منطق بنیادین پیام دروغین باران آخر آنان را فراهم کرد و در نهایت

گمراهی شدیدی را بر آنان می‌آورد. همان فرازی که میلر در آن معنای درست «دائمی» را دریافت، جایی است که آنان سرنگون شده تصویر می‌شوند.

هیچ‌کس شما را به هیچ طریقی فریب ندهد؛ زیرا آن روز نخواهد آمد، مگر آنکه نخست ارتداد فرا رسد و آن مرد گناه، پسر هلاکت، آشکار گردد؛ او که مخالفت می‌کند و خود را برتر از هر آنچه خدا نامیده می‌شود یا مورد پرستش است می‌نمایند، تا آنجا که در هیکل خدا چون خدا می‌نشینند و خود را خدا نشان می‌دهد. آیا به یاد ندارید که وقتی هنوز نزد شما بودم، این چیزها را به شما می‌گفتم؟ و اکنون می‌دانید که چه چیزی او را بازمی‌دارد تا در زمان خود آشکار گردد. زیرا راز بی‌قانونی هم‌اکنون در کار است؛ فقط آن‌که اکنون مانع است، تا وقتی که از میان برداشته شود، مانع خواهد بود. و آنگاه آن شریر آشکار خواهد شد، که خداوند او را با نفس دهان خود نابود خواهد ساخت و با درخشش آمدن خود از میان برخواهد داشت؛ همان که آمدنش مطابق کار شیطان است، با هر قدرت و آیات و عجایب دروغین، و با هرگونه فریبندگی بی‌عدالتی در میان آنان که هلاک می‌شوند، زیرا محبت حقیقت را نپذیرفتند تا نجات یابند. و از این رو، خدا بر ایشان گمراهی شدیدی می‌فرستد تا دروغ را باور کنند، تا همه محکوم شوند؛ یعنی آنان که حقیقت را باور نکردند، بلکه در بی‌عدالتی لذت بردند. دوم تسالونیکیان ۳: ۲-۱۲.

انبیا درباره روزهای آخر بیش از هر تاریخ مقدس پیشین سخن گفته‌اند، و این در مورد این بخش نیز صادق است. سنگ‌بنای افزایش دانش میلر، همان سنگ‌بنای افزایش دانشی است که در سال ۱۹۸۹ فرا رسید، زیرا درک درست تاریخ نویی مرتبط با «دائمی»، تاریخ آیات ۴۰ و ۴۱ از باب یازدهم دانیال را توصیف می‌کند. این بدان معناست که اگر دانش‌پژوه نبوت نقش بت‌پرستی و رابطه نبوی آن با روم پاپی را درنیابد، آنگاه نمی‌تواند تشخیص دهد که نخست کار مهار کردن برآمدن پاپیت و سپس کار نشاندن پاپیت بر تخت زمین به دست بت‌پرستی انجام شد، و آن کار نمونه نقش وحش زمین در مکاشفه سیزده است که در آغاز پاپیت را مهار می‌کند، اما سپس دگرگون می‌شود و آن را بر تخت زمین می‌نشانند. نقش وحش زمین مکاشفه سیزده به‌عنوان آینده آمریکا ترسیم شده است.

در مقاله بعدی‌مان به بررسی برداشته‌شدن مهر از نور رود هیدکل ادامه خواهیم داد.

کسی که فراتر از ظاهر را می‌بیند و دل‌های همه آدمیان را می‌خواند، درباره آنان که از نوری عظیم بهره‌مند شده‌اند، چنین می‌گوید: «آن‌ها به سبب وضعیت اخلاقی و روحانی خویش اندوهگین و حیران نمی‌شوند. آری، ایشان راه‌های خویش را برگزیده‌اند و جانشان در رجاستشان لذت می‌یابد. من نیز فریب‌های ایشان را اختیار خواهم کرد و ترس‌هایشان را بر آنان خواهم آورد، زیرا چون خواندم، هیچ‌کس پاسخ نداد؛ چون سخن گفتم، نشنیدند؛ بلکه در نظر من بدی کردند و آنچه مورد خشنودی من نبود برگزیدند.» «خدا بر ایشان گمراهی نیرومند خواهد فرستاد تا دروغ را باور کنند»، زیرا محبت حقیقت را نپذیرفتند تا نجات یابند، «بلکه در ناراستی لذت بردند.» اشعیا ۳: ۶۶، ۴؛ دوم تسالونیکیان ۱: ۱۰، ۱۲.

معلم آسمانی پرسید: «کدام گمراهی نیرومندتر می‌تواند ذهن را بفریبد از این تظاهر که شما بر بنیاد درست بنا می‌کنید و خدا اعمال شما را می‌پذیرد، حال آنکه در حقیقت بسیاری امور را بر وفق سیاست دنیوی پیش می‌برید و در برابر پیهوه گناه می‌کنید؟ آه، این فریبی بزرگ است، گمراهی‌ای فریبا که بر اذهان چیره می‌شود، آنگاه که مردمانی که زمانی حقیقت را شناخته‌اند، صورت دینداری را به جای روح و قدرت آن می‌گیرند؛ آنگاه که می‌پندارند ثروتمند و در دارایی فزون شده‌اند و به هیچ چیز نیاز ندارند، حال آنکه در واقع به همه چیز نیازمندند.»

خدا نسبت به بندگان وفادارش که جامه‌های خود را پاک و بی‌لگه نگاه می‌دارند، تغییر نکرده است. اما بسیاری فریاد می‌زنند: «سلامتی و امنیت»، در حالی که هلاکت ناگهانی بر آنان فرود می‌آید. مگر آنکه توبه‌ای کامل صورت گیرد، مگر آنکه انسان‌ها با اعتراف، دل‌های خود را فروتن سازند و

حقیقت را همان‌گونه که در عیسی است بپذیرند، هرگز وارد آسمان نخواهند شد. هنگامی که پاک‌سازی در صفوف ما صورت گیرد، دیگر آسوده نخواهیم نشست و به ثروتمندی و فزونی دارایی‌ها فخر نخواهیم کرد، گویی به هیچ چیز نیاز نداریم.

"چه کسی می‌تواند به‌راستی بگوید: 'طلای ما در آتش آزموده شده است؛ جامه‌های ما به‌وسیلهٔ دنیا لکه‌دار نشده است'؟ من دیدم که معلم ما به جامه‌های به‌اصطلاح راستکاری اشاره می‌کرد. با برکندن آن‌ها، پلیدی زیرشان را آشکار ساخت. سپس به من گفت: 'آیا نمی‌بینی چگونه به‌ریا پلیدی و پوشیدگی منش خود را پوشانده‌اند؟' چگونه شهر امین فاحشه شده است!" خانه پدرم به خانه تجارت بدل شده است، جایی که از آن حضور و جلال الهی رخت بر بسته است! از این رو سستی هست و قوتی در میان نیست." شهادت‌ها، جلد 8، 249، 250.